

ویژگی‌های نظام مطلوب مدیریت نقدینگی جامعه در اسلام

سعید جواد میرزازاده / کارشناس ارشد اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

s.j.m.z.1390@gmail.com

farahanifard@yahoo.com

سعید فراهانی فرد / دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه قم

پذیرش: ۹۴/۵/۱۸

دریافت: ۹۳/۱۱/۳۰

چکیده

مدیریت نقدینگی جامعه تأثیر مهمی در متغیرهای کلان اقتصادی و به تبع آن، در تحقق اهداف اقتصادی دارد. نظام مدیریت نقدینگی جامعه در اسلام دارای ویژگی‌هایی است که آن را از نظام مدیریت نقدینگی متعارف متمایز می‌کند. هدف این تحقیق تبیین این ویژگی‌ها و مشخصه‌هاست.

این مقاله با تبیین مبانی و اهداف مدیریت نقدینگی جامعه اسلامی و بیان مؤلفه‌های مؤثر بر میزان نقدینگی، به ارائه ویژگی‌های نظام مطلوب مدیریت نقدینگی در اسلام می‌پردازد و بیان می‌دارد که تغییرات حجم نقدینگی و جهت‌گیری آن باید از طریق ابزارهای مشروع و با ملاک مصالح عمومی، متناسب با نیازهای واقعی اقتصاد و حجم کالا و خدمات و تأمین‌کننده اهداف این نظام (مانند عدالت، تشبیت قیمت‌ها، اشتغال و رشد اقتصادی) باشد.

کلیدواژه‌ها: نقدینگی، حجم پول، مدیریت نقدینگی جامعه اسلامی، سیاست پولی.

مقدمه

نقدینگی جامعه (M_2) معادل مجموع حجم پول (سپرده‌های جاری و سکه و اسکناس در دست مردم) و شبه پول (سپرده‌های پس انداز و قرض الحسنه و...) است (توتونچیان، ۱۳۷۵، ص ۷۴). مدیریت صحیح نقدینگی جامعه یعنی اعمال سیاست‌های اقتصادی مناسب برای جذب، کنترل و هدایت آن، تأثیر مهمی بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند تثبیت قیمت‌ها و حفظ ارزش پول، افزایش تولید، اشتغال و رشد اقتصادی و به تبع آن در تحقق اهداف اقتصادی اسلام نظیر عدالت و رفاه عمومی دارد و همین امر، ضرورت مدیریت نقدینگی را آشکار می‌سازد (تفضلی، ۱۳۷۵، ص ۱۷ و ۱۸). نظام مدیریت نقدینگی در اقتصاد اسلامی گرچه از حیث مؤلفه‌ها و ابزارها در مواردی با اقتصاد متعارف اشتراک دارد، لکن به لحاظ ویژگی‌هایی که از مبانی و اهداف آن نظام نشئت می‌گیرد، دارای تفاوت‌های اساسی است. از این‌رو، پرسش اینجاست که این نظام در اقتصاد اسلامی بر چه مبانی و اهدافی استوار است و بر این اساس، از چه ویژگی‌هایی برخوردار می‌باشد. این مسائل کمتر مورد توجه و بررسی محققان اسلامی قرار گرفته است و سعی ما در این تحقیق پرداختن به آن می‌باشد.

پس از ذکر پیشینه تحقیق، مبانی مدیریت نقدینگی جامعه را تبیین و سپس اهداف دولت اسلامی را از مدیریت نقدینگی برمی‌شماریم. در ادامه، با بیان مؤلفه‌های مؤثر بر میزان و وضعیت مطلوب نقدینگی، ویژگی‌های نظام مطلوب مدیریت نقدینگی را در اسلام تبیین می‌کنیم.

پیشینه تحقیق

در ادبیات اقتصاد اسلامی، تعریفی برای مدیریت نقدینگی جامعه ارائه نشده است. اهدافی هم که از سوی اندیشمندان اسلامی ذکر شده، به طور خاص مربوط به اهداف مدیریت نقدینگی نمی‌باشد، بلکه اهداف سیاست پولی است که عموماً با اهداف مطرح شده در اقتصاد ربوی اشتراک دارد (تأثیر بر نقدینگی، کنترل تورم، اشتغال، رشد، رفاه و...). البته محققانی نظیر چپرا (چپرا، ۱۴۰۴، ص ۳) به این نکته اشاره داشته‌اند که اهداف اقتصادی مانند رشد و رفاه عمومی در اسلام محدود به اخلاق و بایدها و نبایدهای شرعی است، کما اینکه عدالت اقتصادی مورد نظر اسلام ریشه در فلسفه اخلاق دارد.

درباره مؤلفه‌های مؤثر بر میزان و وضعیت مطلوب نقدینگی در جامعه اسلامی، محققان اسلامی نوعاً همان مؤلفه‌هایی را که در اقتصاد متعارف مطرح است (مانند پایه پولی، ضریب فزاینده و خلق پول بانک‌ها) در حجم نقدینگی و عرضه پول دخیل دانسته، لکن تأکید کرده‌اند که عرضه پول و نقدینگی باید به گونه‌ای سامان یابد که اقتصاد را به سمت عدالت، ثبات و رشد اقتصادی، تثبیت قیمت‌ها و... که از اهداف کلان و مهم نظام اقتصادی اسلام هستند سوق دهد (چپرا، ۱۴۰۱، ص ۲۳۴). در مورد سازوکارهای مربوط به نرخ ذخیره قانونی، ذخایر مازاد، خلق اعتبار و... که در عرضه پول و نقدینگی دخیلند، اختلاف نظر زیادی در کتاب‌ها و مقالات اندیشمندان مسلمان مشاهده می‌شود. در مورد تقاضای پول در اقتصاد اسلامی نیز توتونچیان (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص ۷۶-۱۵۶) معتقد است که در اقتصاد اسلامی تقاضای پول به انگیزه بورس‌بازی وجود ندارد. در مقابل، افرادی همچون میرمعزی، انور و دیگران، اگرچه قایل به حرمت

است تغییر کند. در این بخش سعی، بر این است که به عمده‌ترین مبانی مربوط به موضوع تحقیق اشاره شود.

۱. جایگاه دولت در اقتصاد

نظام‌های اقتصادی در زمینه دخالت دولت در اقتصاد، دچار افراط و تفریط شده‌اند. نظام سرمایه‌داری، بر مبنای مهم‌ترین اصل فکری و فلسفی‌اش یعنی لیبرالیسم اقتصادی، قایل به آزادی از مداخله دولت در اقتصاد می‌باشد. در مقابل، نظام سوسیالیستی بر اساس اصل مالکیت دولتی و برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی، اعتقاد به دخالت گسترده دولت در اقتصاد دارد. اما نظام اقتصادی اسلام بین این دو حد قرار دارد. اسلام هر سه نوع مالکیت خصوصی، عمومی (جنگل‌ها، دریاها و...) و دولتی (انفال) را به رسمیت شناخته و با توجه به مبانی اعتقادی‌اش در رابطه با تحریم و یا وجوب برخی فعالیت‌های اقتصادی، اصل آزادی اقتصادی را در چارچوب محدود می‌پذیرد (نمازی، ۱۳۸۶، ص ۵۰ و ۱۲۴-۲۳۹). اسلام از جهت داشتن یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات، مالیات‌ها و غیره، پیوند مستقیم با اقتصاد و از طریق اخلاق پیوند غیرمستقیم با آن دارد (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۰، ص ۲۰۴). تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و وضع قوانین اقتصادی و تحریم یا وجوب برخی فعالیت‌ها نشانگر دخالت دولت در اقتصاد می‌باشد (صدر، ۱۳۷۴ق، ص ۶۴). در نظام اقتصادی اسلام، دولت حق نظارت و کنترل بر فعالیت‌های اقتصادی و جریان مبادله و بازارها و اختیار دخالت مستقیم در بعضی امور اقتصادی و قانون‌گذاری در منطقه مباحات (قلمرو آزاد) را دارد (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱الف، ص ۹۴ و ۹۵). از آنجاکه احکام متغیر اسلام

بهره و ربا و عدم وجود بازار اوراق قرضه در اقتصاد اسلامی می‌باشند، لکن کنز پول (به مفهوم اقتصادی آن) و بورس‌بازی (به مفهوم خرید و فروش به انگیزه سود، از طریق پیش‌بینی قیمت‌ها و در چارچوب احکام و مقررات شریعت) را در بازار اوراق سهام و مشارکت و دارایی‌های حقیقی جایز شمرده (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص ۴۷-۵۰) و تقاضای پول را در این شرایط بررسی کرده‌اند.

در نوشته‌ها و آثار اندیشمندان اسلامی به صورت اشاره‌وار و جسته و گریخته به مشخصه‌های نظام مطلوب مدیریت نقدینگی و میزان حجم آن پرداخته شده است. آنها تغییرات حجم پول و نقدینگی و عرضه آن را در راستای مصالح و منافع عمومی دانسته و معتقدند که تغییر حجم آن باید متناسب با نیازهای واقعی اقتصاد و جریان تولید کالا و خدمات باشد، برای فعالیت‌های اقتصادی ناسالم، نامشروع و غیرمفید تقاضا نگردد و اهداف کلان یعنی عدالت اقتصادی، کاهش تورم، رشد و... را تأمین کند (ایوب، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱ و ۱۸۲؛ میرمعزی، ۱۳۸۴الف؛ محمد، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۱-۴۰۰).

مبانی مدیریت نقدینگی جامعه اسلامی

مبانی مدیریت نقدینگی جامعه اسلامی ریشه در معارف و احکام اسلامی دارد. این مبانی، ماهیت مدیریت نقدینگی در اسلام را از نظام پولی و بانکی ربوی متمایز می‌کند. مقصود از مبانی در اینجا مبانی فقهی و مکتبی می‌باشد که در چارچوب نظام اقتصادی اسلام، مدیریت نقدینگی بر آن استوار می‌شود. مثلاً، براساس اینکه جایگاه دولت در اقتصاد چگونه باشد (دولت حدافل، مداخله‌گر و یا ناظر) و یا اینکه بانک مرکزی در نظام اقتصادی اسلام چه نقش و جایگاهی داشته باشد، نوع مدیریت نقدینگی ممکن

ارزش پول است و از این طریق، بر پایه پولی و ضریب فزاینده، تأثیر گذاشته و نقشی اساسی در کنترل حجم پول و نقدینگی جامعه و هدایت آن دارد. نظارت بر بازارها و مؤسسات مالی، اجرای سیاست ارزی و غیره از وظایف دیگر این نهاد مهم است (کميجانی، ۱۳۸۳؛ فرجی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۴-۱۷۰).

وظایف بانک مرکزی در اقتصاد اسلامی: در نظام اقتصادی اسلام، کنترل نقدینگی به وسیله نهادی که حافظ منافع و مصالح عمومی باشد ضرورت دارد تا افراد و نهادهایی که به انگیزه منافع شخصی عمل می‌کنند، نتوانند حجم نقدینگی را تغییر دهند. وظایف و عملکرد بانک مرکزی به عنوان مهم‌ترین نهاد تأثیرگذار بر میزان و هدایت نقدینگی باید بر اساس مبانی اسلامی و تأمین‌کننده اهداف کلان اقتصادی آن باشد (چپرا، ۱۴۰۱ق، ص ۲۳۴). قوانین، سیاست‌ها و ابزارهای آن باید کاملاً دور از ربا و ضرر و در جهت مصالح عامه بوده و عدالت بر روح سیاست‌ها و وضع مقررات آن حاکم باشد. اگر همه آن وظایفی که در نظام بانکی متعارف بر عهده این بانک می‌باشد - و حتی می‌تواند تقویت شود - بر اساس مبانی و اهداف مذکور باشد، قابلیت اجرا در بانک مرکزی یک اقتصاد اسلامی را خواهد داشت. اقتصاددانان مسلمان معتقدند که بانک مرکزی باید از طریق اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری و کنترل حجم پول و نقدینگی، ارزش پول را حفظ کرده و بدون ایجاد تورم، اشتغال و رشد مطلوب را برای اقتصاد اسلامی فراهم کند (میرآخور، ۱۳۷۱، ص ۱۸۸ و ۱۹۶-۱۹۸). بانک مرکزی باید از طریق ابزارهای مشروع سیاست پولی حجم نقدینگی را متناسب با سطح نیاز اقتصادی و میزان کالاها و خدمات کنترل کند. برای تحقق این امر، این بانک همچنین باید دو منبع بسط پول و نقدینگی را تحت

تابع مقتضیات و مصالح هستند و قلمرو پیدایش این احکام، مباحات است، ولی امر و حاکم اسلامی بنابر مقتضیات و مصالح عامه و با تعیین اولویت‌ها، در منطقه مباحات تصرف کرده، به وضع احکام الزامی و سیاست‌گذاری کلان اقتصادی می‌پردازد. اساساً ولایت بر امت به مفهوم تدبیر امور امت مطابق مصالح اوست (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۱۷۰ و ۱۹۶؛ میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۰). کما اینکه وظیفه او برای حفظ نظام نیز بر مبنای حفظ مصالح و منافع همگانی می‌باشد.

بر این اساس، اقدامات دولت در جهت مدیریت نقدینگی و تغییرات حجم آن و نیز هدایت آن به بخش‌های اقتصادی باید به ملاک مصالح عمومی باشد. سیاست‌های پولی و نیز سیاست‌های مالی و جبران کسری بودجه‌ها که موجب تغییرات حجم نقدینگی و به تبع آن، موجب تورم و توزیع ناعادلانه درآمد و... می‌شود، باید همگی در راستای مصالح واقعی جامعه باشد. توزیع اعتبارات بانکی و گردش نقدینگی در بخش‌های مختلف اقتصاد باید عادلانه صورت گرفته و منافعش به عموم جامعه برسد. در این زمینه، دولت باید سازوکاری شکل دهد که افراد، گروه‌ها یا نهادهایی که براساس منافع خود (نه منافع و مصالح جامعه) عمل می‌کنند، نتوانند در حجم پول تأثیر بگذارند (میرمعزی، ۱۳۸۴الف).

۲. جایگاه بانک مرکزی در اقتصاد

بانک مرکزی در اقتصاد متعارف وظایفی را به عهده دارد: به عنوان بانک بانک‌ها ذخایرشان را نگه‌داری می‌کند و به آنها وام می‌دهد، پول رایج کشور را منتشر می‌کند، بانکدار دولت و نماینده و مشاور مالی آن است، مسئول کنترل نظام پولی و اعتباری و حجم نقدینگی کشور و حفظ

مشارکت در سود و زیان، برطرف کند. کما اینکه این بانک می‌تواند با ایجاد نهادها و ابزارهای مالی جدید، زمینه لازم را برای جذب نقدینگی و پس‌اندازها و تخصیص منابع مطابق با اهداف توسعه اقتصادی اسلام فراهم سازد و از این طریق و به کمک سازوکار بازار و واسطه‌های مالی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را در مقابل یکدیگر گذاشته و بازدهی فرایند پس‌انداز - سرمایه‌گذاری را افزایش دهد (میرآخور، ۱۳۷۱، ص ۱۸۸ و ۱۹۶-۱۹۸).

تعیین حدود اعتباری بانک‌ها به عنوان یکی از ابزارهای بانک مرکزی، نقش زیادی در هدایت و جهت‌دهی صحیح و عادلانه نقدینگی در بخش‌های مختلف اقتصادی دارد و از این طریق می‌تواند اهداف کلانی مانند تولید، اشتغال و رشد را به طور متوازن در همه بخش‌های اقتصادی محقق سازد.

همان‌گونه که هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی برای کنترل نقدینگی و مهار قیمت‌ها بسیار مهم است، دخالت هر یک در حوزه دیگری آثار سوئی بر متغیرهای کلان و نیز کارآیی این سیاست‌ها بر جای خواهد گذاشت. تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی (ناشی از استیلائی دولت بر تصمیمات ارزی و بودجه‌ای کشور)، تأثیر استفاده از ابزارهای سیاست پولی را بر متغیرهای حقیقی اقتصاد کم کرده و بانک مرکزی توانایی مدیریت نقدینگی و تناسب حجم آن با تولید را از دست می‌دهد (کميجانی، ۱۳۷۳، ص ۵۱). ازاین‌رو، بررسی‌ها نشان می‌دهد که کارآیی و تأثیرگذاری سیاست پولی و مدیریت نقدینگی در راستای اهداف کلان اقتصادی مستلزم آن است که بانک مرکزی با استقلال و آزادی بیشتر و دور از فشارهای بیرونی به اداره و هدایت آن اهتمام ورزد (رحیمی بروجردی، ۱۳۷۳، ص ۳۰۹).

نظارت خویش قرار دهد: یکی، استقراض دولت از بانک مرکزی برای جبران کسری بودجه؛ دوم، ایجاد اعتبار و خلق پول توسط بانک‌های تجاری. نظارت بانک مرکزی باید به گونه‌ای باشد که خلق پول برای اقتصاد نه زیاد باشد و نه غیرکافی، بلکه باید به اندازه‌ای باشد که به طور کامل از ظرفیت‌های اقتصادی برای عرضه کالاها و خدمات استفاده شود. ممکن است خلق پول بانک‌ها با تغییر حجم نقدینگی جامعه سبب تورم و در نتیجه، ناثباتی و توزیع ناعادلانه درآمد شود. علاوه بر اینکه با سود هنگفتی که از خلق پول عاید بانک‌ها می‌شود ممکن است منجر به تمرکز ثروت در جامعه شود. ازاین‌رو، برخی از اندیشمندان اسلامی معتقدند که ذخایر مازاد بانک‌ها باید در کنترل بانک مرکزی باشد، به طوری که بانک‌ها نتوانند از این ذخایر برای انگیزه‌های بورس‌بازی و یا ختناسازی سیاست‌های پولی دولت استفاده کرده و بر اساس منافع خود بر عرضه پول اثر بگذارند (میرمعزی، ۱۳۸۴ الف). با این تدبیر، تصمیمات بانک مرکزی که بر اساس مصالح عمومی جامعه اسلامی صورت می‌گیرد، عرضه پول و نقدینگی را تعیین می‌کند. البته به دلیل اینکه نظام بانکی اسلامی بر مشارکت ریسک و سود و زیان و نیز ممنوعیت بهره مبتنی است و مسئولیت زیان‌ها بر عهده ایجادکننده اعتبار نیز خواهد بود، امکان خلق و گسترش بیش از اندازه پول محدود شده است (ایوب، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱ و ۱۸۲). بانک مرکزی از طریق ذخیره قانونی نیز می‌تواند بر خلق پول بانک‌ها و حجم نقدینگی اثر بگذارد که اصل ذخیره قانونی و درصد آن مورد اختلاف محققان اسلامی قرار گرفته است (میرمعزی، ۱۳۸۴ الف).

بانک مرکزی می‌تواند با تقویت نقش بازار پول، کمبود نقدینگی بانک‌ها را با قراردادهای شرعی هم‌چون

۳. قاعده «حفظ نظام»

قاعده «حفظ نظام» بیانگر یک حکم کلی مورد اتفاق فقهاء یعنی «وجوب حفظ نظام» می‌باشد. طبق این قاعده، آنچه که قوام جامعه مبتنی بر آن است، حفظ آن لازم و ضروری است. برجسته‌ترین کاربرد حفظ نظام در این قاعده، حفظ نظام به معنای حفظ نظم اجتماعی، عمومی و معیشتی (در مقابل کیان اسلام یا رژیم سیاسی) است که در برابر اختلال نظام قرار گرفته و وجوب اقامه و حفظ آن و حرمت اختلال و هرج و مرج در آن مورد اتفاق همه فقهاست (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۹-۲۶؛ جعفری‌پیشه، ۱۳۸۹). مستند این قاعده، اجماع، عقل و سیره عقلا می‌باشد (علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷). حفظ نظام به حفظ مصلحت عام برمی‌گردد؛ از این رو، ملاک و مناط وجوب آن مطابقتش با «مصلحت عمومی جامعه» می‌باشد، کما اینکه مفسده عام موجود در اختلال به نظام، ملاک حرمت اختلال می‌باشد (همان).

یکی از آثار این قاعده، تأثیر آن در صدور احکام حکومتی است. انگیزه صدور این احکام از ناحیه ولی امر و حاکم اسلامی، اهداف کلان شریعت و حفظ نظام اسلامی و مصالح مسلمانان می‌باشد. به عبارت دیگر، ویژگی اساسی و مناط و مبنای جعل و اعتبار حکم حکومتی «حصول مصلحت مکلفان، حفظ نظام و پیشگیری از هرج و مرج و اختلال نظام» است (همان، ص ۶۷۸ و ۶۹۳).

رشد افسارگسیخته نقدینگی به لحاظ آثار بسیار سوئی که دارد، همچون تورم و کاهش قدرت خرید، موجب اختلال در زندگی مردم و نظم اجتماعی و معیشتی می‌گردد و در مقابل، کنترل و هدایت آن حفظ نظام را به دنبال دارد. از این رو، دولت اسلامی به ملاک حفظ مصالح عمومی لازم است نقدینگی را مدیریت کند.

۴. اصل توازن

اصل توازن به معنای ایجاد تعدیل در ثروت‌ها و سطح زندگی افراد جامعه است، تا جایی که همه افراد از ثروت برخوردار بوده و با وجود درجات و تفاوت‌هایی، در یک سطح زندگی قرار گیرند. شهید صدر در این باره می‌نویسد: «منظور از توازن اجتماعی، توازن افراد جامعه از حیث سطح زندگی و نه از جهت درآمد است. و مقصود از سطح زندگی این است که سرمایه به اندازه‌ای در دسترس افراد باشد که بتوانند متناسب با مقتضیات روز، از مزایای زندگی برخوردار گردند. البته در داخل این سطح، درجات مختلفی به چشم خواهد خورد. ولی این تفاوت - برخلاف اختلافات شدید طبقاتی در نظام سرمایه‌داری - تفاوت درجه است نه تفاوت اصولی در سطح زندگی» (صدر، ۱۳۸۹ق، ص ۶۲۶).

تمرکز ثروت در دست گروهی اندک، موجب فقر و شکاف طبقاتی شده و مفسد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی زیادی را به دنبال دارد (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۴۱۰-۴۱۲) که مورد نهی قرآن قرار گرفته است. آیه ۷ سوره «حشر» ضمن جمله تعلیلی «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»، به یک اصل بنیادین اقتصادی و یک هدف کلی، یعنی جلوگیری از تراکم و تمرکز ثروت در دست اغنیا که موجب محرومیت اکثر افراد جامعه می‌شود، اشاره می‌کند. بر این اساس، دولت اسلامی باید با ایجاد امکانات مساوی برای عموم جامعه، فراهم ساختن زمینه‌های اشتغال مناسب و با مدیریت توزیع مجدد درآمدها و ثروت‌ها (موسویان، ۱۳۸۲) و نیز با کنترل صحیح نقدینگی و گردش عادلانه آن در سطح جامعه و شریان‌های اصلی اقتصاد، تفاوت‌های فاحش در سطح زندگی را از بین برده و زمینه‌ای فراهم کند تا هر کس

مشارکت، مضاربه و... را پیشنهاد داده‌اند (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۳۴۳-۴۶۰). ابزار نرخ تنزیل مجدد نیز طبق نظر مشهور فقها مبنی بر جواز بیع دین به شخص ثالث، جایز می‌باشد (موسوی، ۱۳۸۱). سپرده‌های قانونی مشکل ربوی ندارند؛ اما تغییر نرخ بهره سپرده‌ها به عنوان ابزار کیفی، ربوی بوده که می‌توان تغییر نرخ سود قراردادهای شرعی و نیز تغییر در حق‌الوکاله بانک‌ها را جایگزین آن کرد (فراهانی فرد، ۱۳۷۸، ص ۲۰۱-۲۰۵).

۶. قاعده «لا ضرر»

مستند این قاعده، روایاتی نظیر «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص ۱۴، ح ۱۰)، عقل و سیره عقلا می‌باشد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۳۱ و ۱۵۱). واژه «ضرر» به دو معنای نقص در مال یا جان و یا حیثیت (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۷) و سختی، تنگنا و سوء حال که منشأ آن، نقص در مال یا جان یا حیثیت و یا حقی از حقوق می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۰۳) آمده است. «ضرر» شامل کلیه نقص‌های وارد بر دیگری است، ولی «ضرار» یعنی اینکه انسان با «سوء استفاده از حق خود» و از روی «عمد و اصرار» به دیگری ضرر بزند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۴۱). احکام و قوانین الهی فی حدّ نفسه موجب ضرر نیستند، ولی گاهی به سبب شرایط خاصی عمل به این تشریح‌ها و قوانین موجب ضرر می‌شود. در این شرایط، ضررهای مربوط به تشریح‌ها و احکام شارع به وسیله قاعده «لا ضرر» نفی می‌شود. قاعده «لا ضرر» به این معناست که احکام ضرری در شریعت اسلام وجود ندارد. این قاعده، ضرر حقیقی (تلف شدن مال یا آسیب دیدن عضوی از بدن انسان) را شامل می‌شود، اما در خصوص

متناسب با تلاش‌ها، استعدادها و امتیازات فردی و به اندازه خدمتی که به اقتصاد می‌کند، پاداش یابد و از این طریق، جامعه به سمت عدالت و توازن اقتصادی سوق یابد.

۵. ممنوعیت ربا

یکی از اساسی‌ترین امتیازات نظام اقتصادی اسلام، عاری بودن آن از رباست. اسلام به شدیدترین وجه ممکن با آن برخورد نموده و آن را در شمار گناهان کبیره و به مثابه جنگ با خدا و رسولش برشمرده است. ربا (اعم از ربای قرضی و معاملی) بنا بر حکم عقل (مکارم شیرازی، بی تا، ص ۲۷ و ۲۸)، اجماع و ضروری دین (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۹۲)، قرآن (بقره: ۲۷۵-۲۷۹؛ نساء: ۱۶۱) و سنت (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۱۲۷، ح ۱۱ و ۸) حرام است. نظام پولی و بانکی اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر ربا و نرخ بهره است؛ از این رو، بخشی از نقدپنگی در این نظام صرف فعالیت‌های ربوی و خرید و فروش اوراق قرضه می‌شود، اما به علت تحریم ربا و فعالیت‌های ربوی در اسلام، انگیزه‌ای برای تقاضای پول غیر از تقاضای معاملاتی و احتیاطی باقی نمی‌ماند. اسلام از این طریق دامنه استفاده از پول را محدود کرده و تنها راه پس‌اندازکنندگان برای انتفاع از پس‌اندازشان را مشارکت و ایجاد ارزش افزوده قرار داده است. در نتیجه، نقدپنگی به سمت سرمایه‌گذاری روانه شده و جریان گردش نقدپنگی و کالا و خدمات متوازن خواهد شد (صدر، ۱۳۷۴ق، ص ۱۴۷-۱۶۴).

برخی از ابزارهای مورد استفاده برای مدیریت نقدپنگی با ربا عجین شده است. یکی از مؤثرترین ابزارها، عملیات بازار باز (خرید و فروش اوراق قرضه) می‌باشد که مبتنی بر قرض ربوی بوده و حرام است. محققان اسلامی ابزارهای مشروعی مانند اوراق استصناع،

اهداف مدیریت نقدینگی جامعه در اسلام

این اهداف را در سه مرتبه هدف غایی، اهداف میانی و اهداف جاری بیان می‌کنیم. اهداف جاری که همان اهداف نزدیک و به عبارتی عملیاتی دولت برای مدیریت نقدینگی می‌باشند، اهداف میانی را تأمین می‌کنند و با تحقق اهداف میانی (اهداف واسطه‌ای)، مدیریت نقدینگی به هدف غایی خواهد رسید. امتیاز اهداف سیاست‌های اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام نسبت به نظام‌های اقتصادی دیگر، قرار گرفتن آن در چارچوب فلسفه اخلاقی اسلام است (نقوی، ۱۳۶۶، ص ۶۷). هدف غایی اسلام که همان هدف بعثت پیامبران است، تربیت انسان ارزش‌گرا و الهی با همه ابعاد مادی و معنوی‌اش در زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۵۴؛ ج ۳، ص ۵۳). اهداف میانی که مدیریت نقدینگی در صدد تأمین آنها می‌باشد عبارتند از:

۱. عدالت اقتصادی، که به معنای ریشه‌کن شدن فقر و محرومیت، ایجاد رفاه عمومی و توازن در ثروت‌ها و درآمدهاست (صدر، ۱۳۸۹ق، ص ۶۲۴-۶۳۶). این هدف با گردش صحیح و متناسب نقدینگی در همه بخش‌های اقتصاد و با ممانعت از هدایت آن به سمت بازارهای دلالی و تولید کالای غیرضرور و نیز جلوگیری از تورم و کاهش ارزش پول به وسیله کنترل حجم نقدینگی حاصل می‌شود.

۲. اقتدار اقتصادی، که با نفی وابستگی به بیگانگان و استقلال اقتصادی (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۶۶) و خودکفایی در کالاهای اساسی امکان‌پذیر است. با کنترل صحیح نقدینگی و هدایت مدبرانه آن، منابع کافی برای خودکفایی در تولید کالا و خدمات موردنیاز فراهم می‌گردد، واردات کالاهای غیرضرور کاهش می‌یابد، ارزش

ضرر اعتباری (ضرری که از ناحیه سلب حقی از حقوق که منشأ آثار اقتصادی و مالی است، بر انسان وارد شود)، اگر شارع این حق را پذیرفته باشد (مانند حق شفعه)، سلب آن را ضرر تلقی کرده، در نتیجه، مضمول قاعده می‌شود (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۳۳۹). این قاعده می‌تواند زمینه‌های لازم برای تحقق عدالت اجتماعی را مهیا کرده و با ایجاد نظام اقتصادی بدون ضرر، امنیت اقتصادی را برای رشد و شکوفایی اقتصاد فراهم سازد.

گاهی اعمال سیاست‌های اقتصادی، مانند سیاست پولی انبساطی به منظور ایجاد اشتغال و رشد، موجب افزایش حجم نقدینگی و در نتیجه، تورم و کاهش ارزش پول و دارایی مردم می‌شود که مصداق ضرر و نقص در اموال است. بنا بر اقتضائات قاعده لاضرر، دولت موظف است خطوط کلی سیاست‌های اقتصادی را به گونه‌ای ترسیم کند که سبب ضرر افراد جامعه نباشد (کرمی و پورمند، ۱۳۸۴، ص ۳۱-۳۳)؛ یعنی طبق این قاعده، اصل اولی این است که سیاست‌های مدیریت نقدینگی نباید موجب ضرر برای مردم شود. در غیر این صورت، دولت شرعاً مجاز به استفاده از آن سیاست‌ها نخواهد بود و هیچ فقیهی با توجه به اهداف اقتصادی نظام اسلامی، در وضع عادی چنین سیاست‌هایی را جایز نمی‌داند (عابدینی، ۱۳۸۸، ص ۶۸). اما اگر ضرورت یا مصالح عمومی مهم‌تری حاکم اسلامی را مجاب به استفاده از این سیاست‌ها کند، به طوری که از عدم اجرای آن اختلال در نظام ایجاد می‌شود، دولت اسلامی می‌تواند این سیاست‌ها را به نحو موقتی و محدود به شرایط اضطرار و وجود مصلحت اجرا کند؛ یعنی اجرای سیاست‌های مدیریت نقدینگی در شرایط اضطرار به مردم، دایر مدار وجود ضرورت یا مصلحت عامه می‌باشد (کمیجانی و دیگران، ۱۳۹۱).

به طوری که با کنترل حجم پول و نقدینگی، تقاضا برای واردات کاهش یافته و کسری حساب تراز پرداخت‌ها که بر قیمت‌ها و ارزش پول ملی تأثیرگذار است، برطرف می‌گردد (همان، ص ۱۱۷ و ۱۱۸).

۴. رشد اقتصادی، که با رشد تولید و اشتغال از طریق تنظیم حجم نقدینگی و جهت‌گیری‌های آن متناسب با نیاز اقتصاد محقق می‌شود.

۵. تخصیص بهینه منابع، که با هدفمند کردن اعتبارات و منابع بانکی و توزیع عادلانه نقدینگی، کاهش مقدار مازاد نقدینگی در برخی از بخش‌های اقتصادی و تزریق آن به فعالیت‌های اقتصادی مورد نیاز و بخش‌های زیربنایی و تولیدی میسر می‌گردد (فراهانی فرد، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴ و ۱۲۵).

۶. مبارزه با بازارهای دلالی و سوداگری، که نتیجه وجود نقدینگی مازاد و سرگردان در جامعه می‌باشد.

نقدینگی اضافی به جای هدایت در مسیر صحیح اقتصادی، به سمت بخش‌های غیرمفید اقتصاد مانند بازار سکه، طلا و ارز سرازیر خواهد شد. دلایلی مثل تورم و کاهش ارزش پول ملی سبب می‌شود که مردم به جای بخش‌های مولد و اصلی اقتصاد، سرمایه خود را به سمت این بازارها و خرید کالاهای بادوام بکشانند. در نتیجه، اقتصاد کارآیی خود را از دست داده و ظرفیت‌های آن کاهش می‌یابد. کنترل حجم نقدینگی و هدایت صحیح آن از این اثر سوء جلوگیری می‌کند (حیدری، ۱۳۹۱).

مؤلفه‌های مؤثر بر میزان نقدینگی در جامعه اسلامی

برای تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر میزان نقدینگی در جامعه اسلامی، در ذیل، به بررسی عرضه و تقاضای پول و نقدینگی در اقتصاد اسلامی می‌پردازیم:

پول ملی حفظ می‌شود و آثار دیگری که همه آنها، اقتدار اقتصادی و کاهش وابستگی را به همراه خواهد داشت.

۳. امنیت اقتصادی: با جهت‌گیری صحیح قوانین و سیاست‌های مربوط به نقدینگی، تورم و بازارهای غیرمفید کاهش یافته و امنیت اقتصادی برای فعالان اقتصادی و زمینه جذب سرمایه‌های ملی و خارجی به سوی سرمایه‌گذاری و تولید، فراهم می‌گردد (فراهانی فرد، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲).

۴. رفاه عمومی و رفع فقر: این مهم از طریق رشد اقتصادی، تولید، اشتغال و توزیع عادلانه منابع و حفظ قدرت خرید عمومی از طریق تثبیت قیمت‌ها که از نتایج مدیریت صحیح نقدینگی می‌باشند، حاصل می‌شود.

اهداف جاری و عملیاتی مدیریت نقدینگی جامعه اسلامی که تأمین‌کننده اهداف میانی هستند، شامل موارد زیر می‌گردد:

۱. کنترل تورم و تثبیت قیمت‌ها، که با کنترل حجم نقدینگی و تنظیم آن متناسب با حجم تولید کالاها و خدمات حاصل می‌گردد. تورم بر توزیع درآمدها در جامعه تأثیر منفی گذاشته و درآمد حقیقی (درآمد با لحاظ تورم و کاهش قدرت خرید پول) صاحبان دارایی و سرمایه فیزیکی و... را افزایش، و قدرت خرید کسانی که درآمد ثابت دارند مانند کارمندان و مزدبگیران را کاهش می‌دهد. مدیریت نقدینگی با کنترل تورم موجب توزیع عادلانه درآمد خواهد شد (سرآبادانی، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

۲. ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی، که با گردش صحیح و متناسب نقدینگی در بخش‌های مختلف اقتصادی و تولیدی و نیز با کاهش هزینه‌های تولیدی از طریق کنترل تورم حاصل می‌شود.

۳. ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی،

عرضه پول در اقتصاد اسلامی

در اقتصاد متعارف، مؤلفه‌هایی مانند پایه پولی، ضریب فزاینده و خلق پول بانک‌ها و عوامل مؤثر بر این مؤلفه‌ها، بر میزان پول و نقدینگی و عرضه آن تأثیرگذارند. در نظام اقتصادی اسلام، عرضه پول و نقدینگی و هر سازوکاری که برای آن تعیین می‌شود، از جمله سازوکار نرخ ذخیره قانونی، ذخایر مازاد، خلق اعتبار و...، باید به گونه‌ای سامان یابد که اقتصاد را به سمت اهداف کلان این نظام (عدالت اقتصادی، ثبات و رشد اقتصادی، تثبیت قیمت‌ها و...) سوق دهد و نظام پولی و بانکی، علاوه بر عدم تحقق ربا، باید قادر باشد در جهت این اهداف حرکت کند (چپرا، ۱۴۰۱ق، ص ۲۳۴).

نرخ ذخیره قانونی بر پایه پولی و ضریب فزاینده و در نتیجه، بر حجم پول و نقدینگی تأثیرگذار است. برخی از اقتصاددانان مسلمان معتقدند که در بانک‌داری اسلامی نگاه‌داری ذخایر قانونی و کنترل نقدینگی از این طریق ضرورتی ندارد؛ زیرا با کاهش ذخیره قانونی (بر سپرده‌های جاری یا سرمایه‌گذاری)، بانک منابع بیشتری را از طریق عقود اسلامی به سرمایه تبدیل کرده و با توجه به تحریم بورس‌بازی و کنز، افزایش عرضه پول همراه با افزایش سرمایه‌گذاری در بخش واقعی اقتصاد رخ می‌دهد؛ از این رو، تورم‌زا نمی‌باشد (توتونچیان، ۱۳۷۴، ص ۱۰۸). در مقابل، برخی نگاه‌داری صددردصد ذخایر قانونی برای سپرده‌های جاری را لازم می‌دانند (قحف، ۱۹۷۹، ص ۱۵۵) که در این صورت، تأثیر بانک‌ها و مردم بر عرضه پول از بین رفته و عرضه پول تحت تسلط کامل بانک مرکزی قرار می‌گیرد و می‌تواند بر اساس نیاز اقتصاد، نقدینگی را از طریق پایه پولی دقیقاً کنترل کند (میرآخور و الحسنی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۷ و ۱۹۸). البته

نگه‌داری صددردصد ممکن است موجب راکد نگه داشتن بخشی از نقدینگی جامعه و محرومیت اقتصاد از منافع گردش آن شود. محققان دیگری با ارائه دیدگاه ذخیره قانونی جزئی ویژه، معتقدند که سپرده سرمایه‌گذاری نیاز به ذخیره قانونی ندارد، اما بخشی از سپرده‌های جاری باید به صورت ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی نگاه‌داری شود که به مقتضای سیاست‌های پولی خود این نرخ را تعیین می‌کند (چپرا، ۱۴۰۱ق، ص ۲۱۱-۲۱۷؛ میرمعزی، ۱۳۸۴الف).

ذخایر قرض‌گرفته شده عامل دیگری است که بر پایه پولی مؤثر است. این ذخایر وام‌هایی است که بانک‌های تجاری از بانک مرکزی دریافت کرده و بانک مرکزی با تغییر نرخ بهره این وام‌ها بر حجم سپرده‌های بانک‌ها و در نتیجه، بر پایه پولی و حجم نقدینگی اثر می‌گذارد. بعضی از اقتصاددانان مسلمان به خاطر محذور ربا، پیشنهاد داده‌اند که بانک مرکزی می‌تواند با افتتاح حساب سرمایه‌گذاری نزد بانک‌های تجاری، از طریق عقود شرعی و جوه موردنیاز بانک‌ها را در مواقع کمبود نقدینگی آنها در اختیارشان قرار داده و از این طریق، بر عرضه پول اثر بگذارد (میرمعزی، ۱۳۸۴الف).

در مورد ذخایر مازاد بانک‌ها که بر پایه پولی مؤثر است، نیز بیشتر محققان اسلامی با وجود آن در بانک‌های اسلامی موافقت می‌کنند. البته اگر کنترل و نظارت بانک مرکزی درباره این ذخایر وجود نداشته باشد، بانک‌ها بر اساس منافعشان و به انگیزه بورس‌بازانه و نیز خنثاسازی سیاست‌های پولی دولت از این ذخایر استفاده کرده و بر حجم پول تأثیر می‌گذارند و این تأثیر لزوماً مطابق با مصالح عمومی نیست. از این رو، برخی از اندیشمندان اسلامی (میرمعزی، ۱۳۸۴الف؛ چپرا، ۱۴۰۱ق) معتقدند که ذخایر مازاد بانک‌ها باید در کنترل بانک مرکزی باشد. بر

ج ۵، ص ۳۹) و نیز اینکه، کنز طبق نظر شیعه، مربوط به طلا و نقره است نه پول‌های اعتباری رایج، کنز پول (به مفهوم اقتصادی آن یعنی نگه‌داری ثروت به شکل پول و خارج کردن پول از جریان گردش) و بورس‌بازی (به مفهوم خرید و فروش به انگیزه سود، از طریق پیش‌بینی قیمت‌ها و در چارچوب احکام و مقررات شریعت (خرید و فروش نقد، نسیه و سلف) را در بازار اوراق بهادار و دارایی‌های حقیقی مجاز شمرده‌اند (میرمعزی، ۱۳۸۴ ب، بخش ۴، فصل ۲). لازم به ذکر است که سفته‌بازی اگر همراه با احتکار، تبانی، معاملات صوری و مانند آن (که به هدف تغییر مصنوعی قیمت بازار به نفع بورس‌بازان انجام می‌شود) صورت گیرد و یا موجب اختلال در نظام اقتصادی شود، از دیدگاه شیعه و اهل سنت جایز نمی‌باشد (میرمعزی، ۱۳۸۲).

البته اشکال مترتب بر این دیدگاه آن است که بخشی از نقدینگی و اعتبارات بانکی از مسیر سرمایه‌گذاری و تولید خارج شده و نمی‌توان ادعا کرد که در اقتصاد اسلامی، همواره افزایش حجم اعتبار با افزایش تولید ملی متناسب است.

اسلام با تحریم کنز و ربا و با منع از بورس‌بازی، از نشستی نقدینگی به سمت بازارهای مضر اقتصادی جلوگیری کرده و نقدینگی را در مسیر سرمایه‌گذاری و تولید قرار داده است. بدین ترتیب، تمامی نقدینگی جامعه صرف تولید کالا و خدمات شده و توازن بین حجم نقدینگی و حجم تولید برقرار می‌گردد. نتیجه این امر، تثبیت قیمت‌ها و رشد اقتصادی است.

ویژگی‌های نظام مطلوب مدیریت نقدینگی جامعه

اسلامی

با در نظر گرفتن مبانی، اهداف و آثار مدیریت نقدینگی جامعه اسلامی و نیز مؤلفه‌های مؤثر بر حجم پول و

این اساس، تصمیمات دولت و بانک مرکزی که بر اساس مصالح عمومی جامعه اسلامی صورت می‌گیرد، عرضه پول و نقدینگی را تعیین می‌کند. از سوی دیگر، بانک مرکزی می‌تواند مطابق مصالح جامعه و به منظور کنترل نقدینگی و عرضه پول، وجوه خود را در بانک‌ها و در قالب سپرده‌های سرمایه‌گذاری، در مقابل سهمی از سود حاصل از مشارکت بانک با متقاضیان تسهیلات، سپرده‌گذاری نماید. در شرایط عادی، سکه و اسکناس در دست مردم در کوتاه‌مدت تغییر نمی‌کند و بانک مرکزی می‌تواند با تعیین حداقل و حداکثر برای نرخ ذخیره‌مازاد بانک‌ها، کنترل عرضه پول را به دست گیرد (میرمعزی، ۱۳۸۴ الف).

عامل مهم دیگر در عرضه پول، خلق پول بانک‌هاست که با تغییر حجم نقدینگی جامعه ممکن است سبب تورم و در نتیجه، ناثباتی و توزیع ناعادلانه درآمد شود. سود کلان حاصل از خلق پول نیز ممکن است منجر به تمرکز ثروت در جامعه شود. بنابراین، میزان خلق پول بانک‌ها باید تحت نظارت بانک مرکزی و در راستای منافع و مصالح عمومی قرار گیرد.

تقاضای پول در اقتصاد اسلامی

در مورد انگیزه‌های معاملات و احتیاطی برای تقاضای پول در اقتصاد اسلامی، تقریباً اختلافی وجود ندارد. اما انگیزه بورس‌بازی و سوداگرانه پول به سبب تحریم کنز و بورس‌بازی مورد اختلاف قرار گرفته است. برخی، اعتقاد به وجود چنین انگیزه‌ای ندارند (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص ۱۵۶-۱۷۶). گروه دیگری گرچه قایل به حرمت بهره و عدم وجود بازار اوراق قرضه در اقتصاد اسلامی هستند، اما با این دلیل که تحریم ربا شامل مطلق سودآوری نمی‌شود و تحریم کنز مربوط به جمع ثروت مازاد بر حد نیاز و عدم پرداخت حقوق الهی متعلق به آن است (طبرسی، ۱۳۷۲،

نقدینگی و عرضه و تقاضای آن، ویژگی‌های نظام مطلوب مدیریت نقدینگی را به صورت زیر تبیین می‌کنیم:

۱. سازوکار خودکار اقتصادی و سازوکار بازار

در نظام اقتصادی اسلام، سازوکارهای اقتصادی باید به گونه‌ای باشند که تغییرات متغیرهای اقتصادی را، که دارای آثار کلان هستند، بر اثر وجود سازوکار خودکار در اقتصاد، در جهت اهداف کلان قرار دهد. در صورتی که امکان و شرایط آن وجود نداشته باشد، باید ابزارهای لازم برای کنترل و نظارت آن به وسیله دولت فراهم گردد. از آنجاکه در اقتصاد اسلامی، دولت موظف به حفظ مصالح عمومی است، در مواقعی که سازوکار خودکار در اقتصاد و سازوکار بازار، تأمین‌کننده اهداف کلان نباشد، دولت و نظام بانکی باید با به‌کارگیری ابزارهای مشروع و کارآمد، بدون آنکه سبب بلوکه شدن یا کندی گردش پول و یا ایجاد زمینه‌های تمرکز ثروت شوند، حجم و عرضه پول و نقدینگی را کنترل کنند (میرمعزی، ۱۳۸۴ الف).

۲. تناسب حجم نقدینگی با عرضه کالا و خدمات

در اقتصاد اسلامی عرضه پول و رشد نقدینگی باید مطابق با عرضه کالا و خدمات باشد. اگرچه امکان نابرابری‌های موقت و جزئی وجود دارد، لکن نابرابری‌های دایمی، با اصول اقتصاد اسلامی سازگار نمی‌باشد (ایوب، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱ و ۱۸۲). در این اقتصاد، مقدار نقدینگی و عرضه پول، همواره متناسب با نیازهای بخش واقعی اقتصاد است. چنانچه میزان نقدینگی در اقتصادی کمتر از میزان موردنیاز آن باشد، امکان دارد تولید، درآمد و اشتغال دچار افت و اقتصاد دچار رکود شود. در مقابل، افزایش نقدینگی بیش از حد نیاز اقتصاد، ممکن است به رشد

سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش تورم منجر شود. در نظام اقتصادی اسلام، غیر از مبادلات نقد یا نسیه و یا سایر عقود شرعی، در هیچ داد و ستد دیگری مانند معاملات و قرض‌های ربوی و با بهره، خرید و فروش سفته‌های صوری و... پول پرداخت نمی‌شود. از این رو، حجم نقدینگی با حجم ارزش واقعی کالاها و خدمات در گردش، هماهنگ و متوازن بوده و ثبات نسبی گردش پول حاکم است. در این نظام، احکام و قوانینی از جانب دولت اسلامی وضع شده است که با جذب پس‌اندازها و هدایت آنها به جریان سرمایه‌گذاری، موجب حفظ توازن جریان نقدینگی و کالا و تثبیت ارزش و قدرت خرید پول می‌شود. باکنز پول (سکه‌های طلا و نقره)، تقاضای پول از عرضه‌اش بیشتر می‌شود. تحریم کنز از نشستی پول جلوگیری کرده و موجب ثبات گردش پول و قدرت خرید آن می‌شود. با تحریم ربا، دامنه استفاده از پول محدود شده است، به گونه‌ای که تنها راه پس‌اندازکنندگان برای انتفاع از پس‌اندازشان، مشارکت و ایجاد ارزش افزوده است و پس‌اندازکنندگان برای کسب درآمد به سرمایه‌گذاران نیازمند می‌باشند. با شکل‌گیری فرایند پس‌انداز - سرمایه‌گذاری، تقاضا برای سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و در نتیجه، جریان گردش نقدینگی و کالا متوازن می‌شود. با وضع این احکام، تمام نقدینگی عرضه‌شده با انگیزه‌های معاملاتی و احتیاطی (و بورس‌بازی مجاز، طبق نظر بعضی از اندیشمندان) تقاضا شده و نشستی و انحرافی برای جریان نقدینگی به سمت فعالیت‌های غیرمولد و ناسالم اقتصادی باقی نمی‌ماند. همچنین، ترغیب زیاد اسلام به برخی از فعالیت‌ها مانند قرض‌الحسنه، انفاق و وقف، پس‌اندازها را به سمت سرمایه‌گذاری و تولید هدایت کرده و موجب هماهنگی

برای هماهنگی رشد نقدینگی و عرضه کالاها و خدمات صورت گیرد (ایوب، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱ و ۱۸۲).

همچنین، به موجب «قاعده لاضرر»، تغییرات حجم نقدینگی نباید ضرر معتنابهی را به افراد جامعه وارد کند. همان‌گونه که گفته شد، در صورتی که ضرورت یا مصلحت چنین ضرری را اقتضا کند، اجرای این سیاست‌ها موقت و محدود به وجود ضرورت یا مصلحت می‌باشد.

البته مصلحت باید تحت ضوابطی مانند تبعیت از موازین شریعت، تأمین اهداف غایی شریعت و اداره مطلوب جامعه اسلامی، ترجیح اهم بر مهم (مثلاً، ترجیح حفظ نظام بر حفظ جان و مال)، زمان‌شناسی و مکان‌شناسی دقیق، دوراندیشی و همه‌جانبه‌نگری (نه مصلحت قشر یا بخشی خاص) و... قرار گیرد (ایزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱).

۴. هدایت نقدینگی به سمت تولید و نیازهای اصلی

یکی دیگر از ویژگی‌ها که از اصلی‌ترین شاخص‌ها برای سنجش کارآمدی رفتارهای بازار پولی و مدیریت نقدینگی می‌باشد، هدایت نقدینگی موجود در جامعه به سمت تولید واقعی و حذف فعالیت‌های غیرتولیدی، غیرضرور و دلالی ضداقتصادی است. نقدینگی باید در خدمت رشد و توسعه اقتصادی قرار گیرد و از عرضه روزافزون آن بدون توجه به دیگر متغیرهای واقعی مانند تولید کالا و خدمات و توازن میان قدرت تولید و رشد نقدینگی، جلوگیری شود. حجم نقدینگی باید به گونه‌ای در نظر گرفته شود که با حمایت از رشد تولیدات داخلی در حد ظرفیت‌های تولیدی کشور، از بروز تورم جلوگیری کند (حمیدی فر، ۱۳۹۰). به عبارتی، مدیریت

جریان گردش نقدینگی و کالا در اقتصاد می‌شود (صدر، ۱۳۷۴ق، ص ۱۴۷-۱۶۵).

۳. مدیریت نقدینگی مطابق با مصالح عمومی

یکی دیگر از مشخصه‌های نظام مطلوب مدیریت نقدینگی آن است که تغییرات حجم نقدینگی و عرضه آن باید در جهت مصالح و منافع عمومی باشد؛ زیرا تغییرات حجم آن دارای آثار کلان در جامعه است، به طوری که سطح قیمت‌ها، ارزش دارایی‌های مردم و نیز توزیع درآمد و ثروت را در جامعه تغییر می‌دهد. از این رو، نباید سازوکاری را سامان داد که افراد، گروه‌ها یا نهادهایی که به ملاک منافع شخصی (نه مصالح عمومی) عمل می‌کنند، بتوانند در حجم پول تأثیر بگذارند (میرمعزی، ۱۳۸۴الف). بنابراین، مقامات پولی جامعه اسلامی باید سه منبع بسط پول و نقدینگی را نظارت کنند: یکی،

استقراض دولت از بانک مرکزی برای جبران کسری بودجه؛ دوم، ایجاد اعتبار و خلق پول توسط بانک‌های تجاری؛ و سوم، عوامل خارجی و برون‌زا. بانک مرکزی باید سیاست پولی را با رشد نقدینگی و عرضه پول هماهنگ کند، به گونه‌ای که این خلق پول برای اقتصاد نه زیاد باشد و نه غیرکافی، بلکه به اندازه‌ای باشد که به طور کامل از ظرفیت‌های اقتصادی برای عرضه کالاها و خدمات استفاده شود. البته به دلیل مبتنی بودن نظام بانکی اسلامی بر مشارکت ریسک و سود و زیان و نیز ممنوعیت بهره، امکان خلق و گسترش بیش از اندازه پول محدود شده است؛ چراکه مسئولیت زیان‌ها بر عهده ایجادکننده اعتبار نیز خواهد بود. در صورتی که عوامل خارجی مانند ورود سرمایه، موجب افزایش عرضه پول و نقدینگی گردد، باید با استفاده از ابزارهای پولی، اقدامات اصلاحی

بعضی از این بانک‌ها و یا ایجاد محدودیت اعتباری، به خوبی می‌تواند حجم نقدینگی بخش اقتصادی مورد نظر را تنظیم کند. همچنین، هماهنگی و کاهش تسلط سیاست مالی دولت بر سیاست پولی، کارایی این ابزار را مضاعف خواهد کرد (کمیجانی، ۱۳۷۳، ص ۵۱).

۵. حاکمیت عدالت و توازن اقتصادی

عدالت باید بر سیاست‌های مدیریت نقدینگی حاکم باشد. عدالت زمانی محقق خواهد شد که بین حجم نقدینگی و تولید کالاها و خدمات و نیز نیازهای اساسی اقتصاد تناسب و توازن برقرار باشد. در نتیجه، قیمت‌ها تثبیت شده و درآمدها عادلانه توزیع می‌گردد. منافع حاصل از خلق پول نباید موجب تمرکز ثروت در دست بانک‌ها شود، بلکه باید با کنترل حساب‌شده، عادلانه بین جامعه توزیع گردد. توزیع اعتبارات و نقدینگی به بخش‌های اقتصادی باید براساس نیاز هر بخش باشد. توزیع متوازن نقدینگی، فرصت تولید و کسب درآمد را برای همه افراد جامعه فراهم کرده و اشتغال و رشد متوازن را در همه بخش‌ها به دنبال خواهد داشت.

حاصل آنکه، نظام مدیریت نقدینگی زمانی در وضعیت مطلوب است و می‌تواند در جهت تحقق اهداف کلان اقتصادی عمل نماید که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

- تغییرات حجم پول و نقدینگی و عرضه آن به ملاک مصالح و منافع عمومی باشد.

- نقدینگی بلوکه نشده و دایم در گردش باشد.

- تغییر حجم نقدینگی متناسب با جریان تولید کالا و

خدمات و نیازهای واقعی اقتصاد (اولویت با کالاهای ضروری و اساسی، سپس کالاهای لوکس و رفاهی) باشد.

- برای فعالیت‌های اقتصادی ناسالم، نامشروع و

نقدینگی باید عرضه پول و نقدینگی را به سطح فعالیت اقتصادی مرتبط سازد و چون افزایش اعتبارات بانکی در بانک‌داری ربوی به نرخ بهره وابسته است، با عناصر واقعی فعالیت اقتصادی ارتباطی ندارد، ولی در نظام بانک‌داری اسلامی، وضع قانون ممنوعیت نرخ بهره و ارتباط گسترش پول و اعتبار با مشارکت، سبب می‌شود که عامل سود، متغیر داخلی مهمی در تعیین عرضه پول طبق میزان رونق اقتصادی شود (محمد، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۱-۴۰۰).

در نظام اقتصادی اسلام، تخصیص منابع باید پاسخگوی نیازهای اساسی و زیربنایی اقتصاد باشد. منابع باید به سمت فعالیت‌های اقتصادی مفیدی که در راستای نظام ارزشی اسلام و مصلحت جامعه است، سوق پیدا کند. بنابراین، توزیع نقدینگی باید ابتدا به سمت تولید کالاهای ضرور و اشتغال که شرط اساسی رشد و رفاه جامعه هستند، انجام گرفته سپس مازاد آن در جهت تولید کالاهای رفاهی به کار رود. بر این اساس، کارایی و بهینه شدن تخصیص اعتبارات و نقدینگی تنها از طریق سازوکار بازار عملی نخواهد بود، بلکه دولت باید در این امر مداخله نماید (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴).

همان‌گونه که در وظایف بانک مرکزی متذکر شدیم، تعیین حدود اعتباری بانک‌ها به عنوان یکی از ابزارهای بانک مرکزی، نقش زیادی در هدایت و جهت‌دهی صحیح و عادلانه نقدینگی در بخش‌های مختلف اقتصادی دارد و از این طریق می‌تواند اهداف کلانی مانند تولید، اشتغال و رشد را به طور متوازن در همه بخش‌های اقتصادی محقق سازد. یکی از شرایط لازم برای کارایی بیشتر این ابزار در جهت هدایت نقدینگی و توازن آن در همه بخش‌ها، ایجاد بانک‌های تخصصی (کشاورزی، صنعت و...) می‌باشد. بانک مرکزی از طریق اولویت دادن تخصیص اعتبارات به

غیر مفید تقاضا نگردد.

منابع

ایزدهی، سیدسجاد، ۱۳۹۳، *مصلحت در فقه سیاسی شیعه*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ایوب، محمد، ۱۳۹۲، *شناخت نظام مالی اسلامی*، ترجمه حامد تاجمیر ریاحی و علی راهنشین، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، *مبانی اقتصاد اسلامی*، چ سوم، تهران، سمت.

تفضلی، فریدون، ۱۳۷۵، *تورم و تورم بسیار شدید*، تهران، وزارت تعاون.

تورتونجیان، ایبرج، ۱۳۷۴، *ارزیابی پایه‌های نظری عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران*، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده به ششمین سمینار بانکداری بدون ربا، تهران، مؤسسه بانکداری ایران.

—، ۱۳۷۵، *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

—، ۱۳۷۹، *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری*، تهران، توانگران.

جعفرپیشه، مصطفی، ۱۳۸۹، «حق نمرود و وجوب حفظ نظام از منظر اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت»، *طلوع*، ش ۳۳، ص ۶۲-۸۶. چمبرا، محمدعمر، ۱۴۰۴، «النظام النقدي والمصرفی فی الاقتصاد الإسلامی»، *منیر الاسلام*، السنة الثالثة والاربعون، العدد الثامن، ص ۸۹-۸۹.

—، ۱۴۰۱ق، *نحو نظام نقدی عادل*، قاهره، المعهد العالمی للفکر الاسلامی.

حراملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

حمیدی‌فر، ریحانه، ۱۳۹۰/۱۰/۲۱، *نقدینگی سرگردان و اقتصاد ایران*، در: www.Tebyan.com

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.

رحیمی بروجردی، علیرضا، ۱۳۷۳، *سیاست‌های اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری*، تهران، مؤسسه مطالعات و

— تأمین‌کننده اهداف کلان باشد؛ یعنی اثرات تورمی نداشته باشد، عدالت بر توزیع و هدایت آن به بخش‌های مختلف اقتصادی حاکم باشد، ثبات و رشد اقتصادی و نیز اشتغال را به همراه داشته باشد، منافی که از خلق پول حاصل می‌شود به صورت عادلانه در سطح جامعه توزیع گردد و ...

نتیجه‌گیری

نظام مدیریت نقدینگی جامعه در اسلام با ابتناء بر نقش تأثیرگذار دولت اسلامی و بانک مرکزی آن در وضع و اعمال سیاست‌های اقتصادی و بر اساس یک نظام عاری از ربا و ضرر، با ملاک مصالح عمومی و تعدیل و توازن در ثروت و درآمد، به دنبال دستیابی به اهداف کلانی نظیر عدالت اقتصادی، تثبیت قیمت‌ها و ارزش پول، افزایش تولید و رفاه عمومی و ... می‌باشد. از مجموع این مبانی و اهداف، به دست می‌آید که در نظام مدیریت نقدینگی در اسلام، کنترل حجم نقدینگی و هدایت آن باید متناسب با حجم تولید کالاها و خدمات و نیازهای اساسی اقتصاد و به ملاک مصالح عمومی و در راستای حاکمیت عدالت و توازن اقتصادی باشد.

- پژوهش‌های بازرگانی. سرآبادانی، غلامرضا، ۱۳۸۶، *دولت و تورم*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سیفی مازندرانی، علی‌اکبر، ۱۴۲۵ق، *مبانی الفقه الفعّال*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- صدر، سیدکاظم، ۱۳۷۴ق، *اقتصاد صدر اسلام*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۸۹ق، *اقتصادنا*، چ سیزدهم، بیروت، دارالفکر.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیرالقرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- عابدینی، احمد، ۱۳۸۸، *ریا در حالت تورم و ضمانت سقوط پول*، اصفهان، اقیانوس معرفت.
- علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۹۰، *فقه و مصلحت*، چ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فراهانی‌فرد، سعید، ۱۳۸۱، *سیاست‌های اقتصادی در اسلام*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ، ۱۳۷۸، *سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا (بررسی فقهی - اقتصادی)*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۱۰ق، *العین*، چ دوم، قم، هجرت.
- فرجی، یوسف، ۱۳۸۷، *پول، ارز و بانکداری*، چ یازدهم، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- حجف، منذر، ۱۹۷۹م، *الاقتصاد الاسلامی*، کویت، دارالعلم.
- کرمی، محمد مهدی و محمد پورمند، ۱۳۸۴، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، چ ششم، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- کمیجانی، اکبر، ۱۳۸۳، «بانک مرکزی و نظام بانکی»، *حسابدار*، ش ۱۵۹، ص ۷۰۴.
- ، ۱۳۷۳، *سیاست‌های پولی مناسب در جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی*، تهران، معاونت‌امور اقتصادی و دارایی.
- کمیجانی، اکبر و دیگران، ۱۳۹۱، «هدف اصلی سیاست پولی و نهاد تعیین‌کننده آن در نظام اقتصادی اسلام»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۶، ص ۱۲۳-۱۴۴.
- محقق‌داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۶ق، *قواعد فقه*، چ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمد، یوسف کمال، ۱۴۱۴ق، *فقه الاقتصاد النقدي*، قاهره، دارالصابونی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، بی‌تا، *ربا و بانکداری اسلامی*، قم، بی‌تا.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۹۱، *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*، چ پنجم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ، ۱۳۸۲، «جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۰، ص ۵۱-۸۰.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، بی‌تا، *تحریرالوسیله*، قم، دارالعلم.
- ، ۱۳۷۲، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی‌الله‌عنه.
- موسوی، سیدباقر، ۱۳۸۱، «خرید و فروش دین (تنزیل)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۷، ص ۷۵-۸۷.
- میرآخور، عباس، ۱۳۷۱، *نظریه نظام مالی اسلامی*، مقالاتی در اقتصاد اسلامی (روش اسلام در حل مسائل اقتصادی)، ترجمه حسن گلریز، بی‌جا، مؤسسه بانکداری ایران.
- میرآخور، عباس و باقر الحسنی، ۱۳۷۱، *مقالاتی در اقتصاد اسلامی (روش اسلام در حل مسائل اقتصادی)*، ترجمه حسن گلریز، بی‌جا، مؤسسه بانکداری ایران.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۴الف، «الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۷، ص ۴۵-۷۴.
- ، ۱۳۸۴ب، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ، ۱۳۸۲، «بورس بازی از دیدگاه فقه»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۹، ص ۵۱-۶۴.
- ، ۱۳۹۰، *نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نقوی، حیدر، ۱۳۶۶، *جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام*، ترجمه حسن توانایان فرد، تهران، مترجم.
- نمازی، حسین، ۱۳۸۶، *نظام‌های اقتصادی*، چ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.